

ویژه نامه سی و سومین جشنواره
بین المللی فیلم های کودکان و
نوجوانان - شماره پنجم
جمعه ۲ آبان ۱۳۹۹

فصل ده

33th
International Film
Festival for
Children and Youth
Friday - 23 Oct 2020



سیاحت در جشن
سیخهای کودکانه

سیاحت در جشن سیخ‌های کودکانه

برپایی موزه یادگاری‌ها و اسناد جشنواره تلاشی ستودنی برای ایجاد آرشیو است

جشنواره را جمع‌آوری کنند و ما را به سیاحت موزه‌ای دیدنی از جشن ۳۳ ساله سینمای کودک ایران ببرند. نمونه لوح تقدیرها، تندیس‌ها، کتاب و هدایای جشنواره، تصاویر فضا سازی شهری در روزهای برگزاری در دوره‌های مختلف، عکس‌های داوران، نمونه لباس‌ها و پوشش مشترکشان، تصاویر دسته جمعی آدم‌های عادی در هیاهوی صف‌های سینما و داخل سالن‌ها، مستندات حضور بزرگان و اهالی هنر در کنار هم در سال‌های جوانی و سرزندگی و... همه و همه می‌تواند موزه‌ای از آنچه برگزارکنندگان جشنواره در بیش از ۳۰ سال تدارک دیده و انجام داده‌اند را پیش چشم ما بگشاید.

سریا شدن این موزه نه تنها لذت بصری خاص خود را برای علاقه‌مندان و گردشگران اصفهان دارد، بلکه به ما کمک می‌کند تصویر مشخص‌تری از گذشته جشنواره پیدا کنیم، خوش سلیقه‌گی‌ها و خوش فکری‌هایش را برگزینیم و بر تن جشنواره سی و چندساله بنشانیم که حالا دیگر در آستانه پختگی و آرامش است.

موزه یادگاری‌ها و اسناد جشنواره می‌تواند فرصتی برای بررسی جشنواره خارج از چارچوب کلمات و جملات و گفته‌ها و ناگفته‌ها باشد که البته در جای خود مورد نیاز و ارزشمند است.

تلاشی ستودنی برای ایجاد و حفظ آرشیو و ثبت مستندات جشنواره و سپردن آن به دیگران. مسیری که معمولاً از آن غافل بوده‌ایم و در صورت انجام می‌تواند چراغی روشن برای سینماگران، هنرمندان، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، اهل تاریخ، مدیران و سیاست‌گذاران شهر باشد.

قابل تأمل و جذاب از آن‌ها به دست آورد. به این موارد اضافه کنید حس خوب و دوست‌داشتنی خاطره‌بازی با تصویر و یادگاری‌های آدم‌های آشنای امروز را. اینکه لایه‌لای گشت‌وگذار بررسی به دست خط دوستی از این سال‌ها که حالا خودش یک فیلم‌ساز و اهل جدی سینماست و وقتی کوچک بوده تصویر علیرضا خمسه بازیگر محبوب آن سال‌هایش را کشیده و با یک متن دل‌نشین کودکانه به بزرگ‌ترها داده تا در بولتن جشنواره ثبتش کنند. مواجهه با این گذشته شیرین البته فقط جنبه نوستالژیک ندارد و بخش مهم‌ترش مفاهیمی است که از پس خود به ما منتقل می‌کند.

موضوعاتی مثل اینکه حضور در جشنواره چه تأثیری در پیوند بچه‌ها با سینما داشته و کدامشان بعد از خاطره خوش سال‌های دور و فرصت حضور در یک چالش جذاب گروهی و اولین تجربه‌های تعامل و جمع‌گرایی و همکاری و خیلی چیزهای دیگر سینما را جدی گرفته‌اند و مسیر روشنی برای خود از آن ساخته‌اند. یا مثلاً دریافت این مهم که سلیقه سیاست‌گذاران کلان، شهرداران و دبیران جشنواره طی سال‌ها چه تغییری کرده و جشنواره در کدام دوره‌ها اثرات عمیق و جالب‌توجه‌تری در شهر و پرورش آدم‌هایش داشته و در یک کلام میزبان بهتری برای جشن سینمای کودکانه کشورش بوده است.

به پیوست همین موضوع دست‌اندرکاران جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان در دوره اخیر بر آن شده‌اند که اسناد، تصاویر، مستندات و یادگاری‌های

خیلی فرقی نمی‌کند شغل چه چیزی باشد، اگر با آن رفیق باشی دانستن پیشینه و پیداکردن جزء به جزء گذشته‌اش می‌شود سیر و سیاحت یک گنجینه تاریخی که نه فقط برایت لذت بخش بلکه ضروری و حیاتی است.

مثلاً ساعت‌ها گشت‌زدن و خواندن روزنامه‌های قدیمی برای ما روزنامه‌نگاران نه تنها خسته‌کننده نیست که چیزی شبیه درمان است.

مگر می‌شود پیداکردن خودت در گذر زمان و قرارگرفتن در مسیر ایده‌های تازه به پشتوانه آن حالت را خوب نکند و راهگشا نباشد؟ این همان معجزه‌ای است که اسمش را گذاشته‌اند «تاریخ‌درمانی» و این روزها به‌عنوان یک علم برای خودش جایگاه پیدا کرده است.

زمانی که اولین بار آرشیو بولتن‌های دوره‌های گذشته جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان را مرور کردم به جز هیجان انگیز بودن تجربه پیدا کردن نام اسامی آشنا و آدم‌هایی که سال‌ها از روزهای جشنواره‌ای‌شان گذشته و حالا جایی دیگر داستان‌های تازه می‌سازند، این فکر به سراغم آمد که از همین بولتن‌ها، از این آرشیو سی و چندساله چقدر می‌شود گزارش و یادداشت و پژوهش‌های خواندنی استخراج کرد.

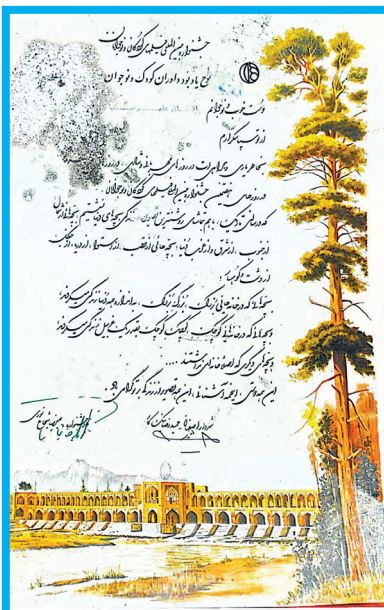
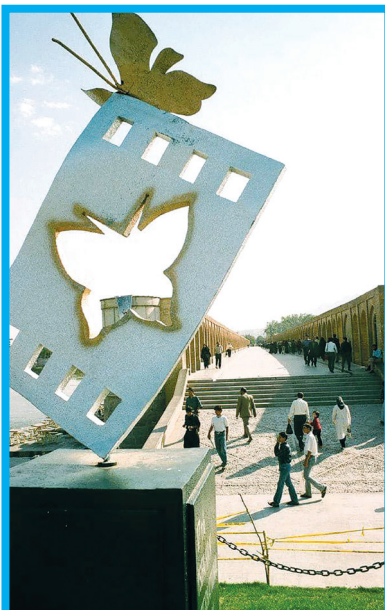
لوگوهای متفاوت بولتن‌ها در دوره‌های مختلف، انتخاب عناوینشان، سلیقه طراحان برای چیدمان و صفحه‌بندی صفحات و حتی نوع نگاه و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دبیر برای گزینش مطالب و خیلی از جزئیات و موارد کوچک و بزرگ دیگر هر کدام جای بررسی دارند و می‌توان مطالبی



دبیر
مریم قدسیه



گزارش تصویری عکس‌ها، اسناد و یادگاری‌های جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان



ای مهربان‌تر از برگ، در بوسه‌های باران!

فرزان معظم، مؤلف کتاب جشنواره: هویت بخشی مهم‌ترین اثر جشنواره برای بچه‌ها بود



که به‌وسیله آن‌هایتا معظم و عطیه سلطانی روایت شده‌اند، از بخش‌های جذاب این کتاب ۳۰۸ صفحه‌ای هستند که در آن دست‌کم با ۷۰ داور کودک از سال ۶۹ تا ۹۸ مصاحبه شده است. افرادی که مؤلف کتاب، خاطره یکی دیگر از آن‌ها را مثال زده و می‌گوید: «عزیزی به نام مهدی حشمتی از کرمان برای من صدا فرستاد. وقتی داشتم گوش می‌دادم گریه می‌کردم. آن کودک آن سال داور بوده است. می‌رود پیش استاد عزت‌الله انتظامی و می‌گوید من داور شده‌ام. استاد انتظامی هم با توجه به محبوبیتش این بچه را به جدی گرفتن درس تشویق می‌کند. او هم درس می‌خواند و می‌شود یک کارگردان و گوینده موفق تلویزیون کرمان.» او یک خاطره فراموش‌نشده هم از حمیدرضا سیدی، کودک ده‌یازده‌ساله توان‌خواه سال‌های گذشته جشنواره می‌گوید که نشان می‌دهد هویت بخشی به بچه‌ها در برگزاری جشنواره چقدر می‌تواند مؤثر باشد: «در دوره بیست‌وششم یا بیست‌وهفتم جشنواره بود که پدر و مادر حمیدرضا او را با ویلچر به جشنواره می‌آوردند و می‌بردند. روزی از روزهای جشنواره، مادر او به من گفت می‌خواهم مطلبی به شما بگویم. او گفت دیشب به اتفاق حمیدرضا و پدرش با ماشین به سمت خانه در حرکت بودیم که ناگهان حمیدرضا شروع کرد به دادزدن و گفت: حمیدرضا مرد، حمیدرضا مرد، نگاه‌دار، نگاه‌دار! پدرش با نگرانی ماشین را متوقف کرد. وقتی از او پرسیدیم چه شده، کارت داوریش در جشنواره را به ما نشان داد و گفت آن حمیدرضایی که همه می‌گفتند ناتوان است و به کمک دیگران احتیاج دارد مرد! حالا یک حمیدرضای جدید متولد شده که داور است و حرفش را همه‌جا می‌خوانند و به او احترام می‌گذارند.»

پس از قسمت جذاب روایت خاطرات داوران کودک، نوبت به

مصاحبه مدیران وقت مثل علیرضا شجاع‌نوری و هنرمندانی که جوایزشان را از دست بچه‌ها گرفتند، مثل آقایان ابراهیم فروزش، امیرحسین صدیق و خانم پوران درخشنده می‌رسد که به کتاب اضافه شده‌اند. بخش تصویری با عنوان روایت دوست، از دیگر بخش‌های جالب این کتاب است که به گفته مؤلف آن تصاویری از داوران کودک دوره‌های قبل و اسنادی از جشنواره زمانی که در همدان برگزار می‌شد، در آن به چاپ رسیده است. بخشی با عنوان بچه‌های المپیاد فیلم‌سازی هم در کتاب وجود دارد که البته مربوط به سال‌های اخیر جشنواره و یاوران کوچک این سال‌هایش است؛ چراکه به اعتقاد معظم: «بزرگ‌ترین اتفاقی که جشنواره برای بچه‌ها ایجاد کرد، به‌وجودآوردن یک محیط امن و آرام برای یادگیری، افزایش اعتمادبه‌نفس و خودباوری و مهم‌تر از همه پرورش روح همکاری جمعی در کنار همان هویت بخشی است.»

او در این رابطه نیز خاطره جالبی تعریف می‌کند و می‌گوید: «خوب به خاطر دارم که در یکی دیگر از دوره‌های جشنواره، بچه‌ها موقع ناهار می‌خواستند به طبقه پایین سالن فرشچیان بیایند. نیروهای تدارکات ناهار را به زیرزمین بردند. دیدم بچه‌ها دارند پچ‌پچ می‌کنند که ما بدون هادی نمی‌رویم پایین ناهار بخوریم. حالا هادی کی بود؟ بچه‌ای بود که روی ویلچر می‌نشست. بچه‌ها گفتند یا همه غذا را می‌آوریم بالا، یا هادی را هم می‌بریم پایین. همه در این فکر بودیم که راهکاری پیدا کنیم تا اینکه باورتان نمی‌شود، خود بچه‌ها ویلچر را گرفتند و هادی را از پله‌های مارپیچ، با خنده و شور و شادی پایین بردند و دور هم نشستند و ناهار خوردند.» کتاب پروانه‌های فیروزه‌ای ۲ با هم‌فکری اتاق فکر و تیمی متشکل از فرزنان معظم، آن‌هایتا معظم، محمدمهدی یزدانی، عطیه سلطانی و شهرزاد میکائیک، از همیاران جشنواره در دوره‌های بیست‌وپنجم تا بیست‌وهشتم منتشر و با عنوان اصلی «مهربان‌تر از پرواز» به زاون قوکانیان تقدیم شده است. در این کتاب یادداشت‌هایی از علیرضا تابش، دبیر و ایمان حجتی، مدیر اجرایی این سال‌های جشنواره در اصفهان و گفت‌وگوهایی با حمیدرضا قندی مدیر اجرایی ادوار جشنواره، مرتضی کاظمی دبیر دوره هفدهم، جواد جعفری مدیر اجرایی دوره دوازدهم، محمدجواد زمردیان مدیر اجرایی ادوار جشنواره، پرویز طاهری مدیر اجرایی ادوار جشنواره، مهدی مسعودشاهی دبیر دوره بیست‌وهشتم، وحید ملتجی مدیر اجرایی دوره هجدهم، سید محسن هاشمی مدیر اجرایی دوره هفدهم و یادداشت‌هایی از مهدی احمدی، فرزاد اژدری، رسول بابارضا، سیدمهدی برقعی، کیومرث پوراحمد، نادر ترکمانی، سیروس حسن‌پور، پوران درخشنده، غلامرضا رضانی، علیرضا سبط‌احمدی، امیرحسین صدیق، عبدالله علی‌مراد، ابراهیم فروزش، حمیدرضا قطبی، حسین قناعت، بیتا منصوری، وحید نیکخواه‌آزاد، بابک نبی‌زاده و گفت‌وگوهایی در بخش همراهان داوران با غلامرضا آب‌آب، حشمت‌الله انتخابی، لیلا پرویزی، فرحناز پورنقشبند، فهیمه عقلی منتشر شده است.

پژوهش کتاب با حمایت بنیاد سینمای فارابی و همدلی دکتر شکرخواه و استاد احمدیان انجام شده است.

کتاب «پروانه‌های فیروزه‌ای ۲» با عنوان اصلی مهربان‌تر از پرواز، تاریخ شفاهی داوران کودک و نوجوان جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، به کوشش فرزنان معظم و آن‌هایتا معظم منتشر شده است. کتابی که پیشینه آن به گفته مؤلف به جشنواره بیست‌وهشتم برمی‌گردد. زمانی که او مسئولیت کمیته داوران کودک و نوجوان را بر عهده داشته و به اتفاق اعضا به این نتیجه می‌رسند که «باید حس و علاقه خاصی که بچه‌ها به جشنواره دارند ثبت شود». بنابراین از «نقاشی‌ها و دل‌نوشته‌های بچه‌ها و پیام‌های مدیران وقت آن دوره مثل آقایان سید احمد میرعلایی، جعفر گودرزی، حسنعلی شهیدی و مرتضی سقاییان‌نژاد، مهدی مسعودشاهی، امیر اسفندیاری کتاب کوچکی شکل می‌گیرد». دوره‌های جشنواره طی می‌شود تا در جشنواره سی‌ودوم، علیرضا تابش، دبیر جشنواره و مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی پیشنهاد می‌دهد تا نسخه شماره دو این کتاب نیز تألیف و به‌صورت ملی تهیه شود. معظم می‌گوید: «بنابراین به شناسایی داورانی که از سال ۶۹ (زمانی که جشنواره به اصفهان آمد) وارد کمیته داوران جشنواره شده بودند پرداختیم تا ببینیم آن‌ها اکنون کجا هستند و چه می‌کنند؟ آیا جشنواره کودک صرفاً برایشان سرگرمی یک‌هفته‌ای بوده یا اینکه توانسته تأثیری فرهنگی بر آن‌ها بگذارد؟» این انگیزه باعث می‌شود تا تیم پروانه‌ای پروانه‌های فیروزه‌ای، کل کشور را از اصفهان و همدان تا کرمان به جست‌وجوهای داوران کودک آن سال‌ها زیرورو کنند. او ادامه می‌دهد: «دریافتیم که خیلی از این بچه‌ها مهاجرت کرده‌اند و وقتی فهمیدند ما در حال چنین کاری هستیم، برایمان صدا و نوشته فرستادند. ما فهمیدیم که خیلی از آن‌ها، قریب به نودوهشت درصدشان آدم‌های تأثیرگذاری در هنر شده‌اند.» معظم از برخی از آن‌ها مثل «شیرین صمدی، علی‌عطار، علیرضا آب‌آب و پونه خامین» یاد می‌کند و با اشاره به اینکه جشنواره برای آن‌ها «یک جرعه» بود، از خاطرات جالبی که از کودکی برخی از این داوران کوچک در کتاب نقل شده، یاد کرده و می‌گوید: «در دوره‌ای که جشنواره در همدان برگزار شد، یکی از کودکانی که در سال ۷۵ حدود هشت‌سالش بود، برای داوران آزمون می‌دهد و قبول نمی‌شود. او شاکی می‌شود و می‌رود پیش دبیر اجرایی وقت جشنواره، آقای زمردیان و می‌گوید من انتخاب نشدم که! آقای زمردیان حرکت قشنگی انجام می‌دهد و حکمی برای این بچه صادر می‌کند و می‌گوید شما به‌عنوان «مشاور سینمایی دبیر اجرایی جشنواره» منصوب می‌شوید! حسین قاسمی هنر بعداً در فیلم «شیرتوشیر» می‌شود بازیگر آقای فروزش و بعدها یک فیلم‌ساز که فیلم خودش هم سال گذشته در جشنواره فجر پخش شد.» او ادامه می‌دهد: «پس می‌بینید که جشنواره به بچه‌ها هویت و اعتمادبه‌نفس می‌بخشد تا بتوانند هنر سینما را جور دیگری ببینند و بروند سراغ فیلم‌دیدن و کتاب‌خواندن. آن‌ها حتی طی دوره‌های جشنواره به‌گونه‌ای پرورش یافتند که در دهه هفتاد، جشن بزرگ سینمای ایران در سینما قدس اصفهان با مجری‌گری خودشان برگزار شد و خانه کودک و نوجوان هم در همان حوالی تاریخ با همیاری زنده‌یاد زاون تأسیس شد که خانم عقلی هم از اولین مدیرانش بود.» این خاطرات

محتوا در خدمت ژانر یا عکس آن؟

نگاهی به سینمای انیمیشن

انتخاب شده و قیل‌ها، شخصیت‌های اصلی داستان هستند. قیل پیری شاه گله است و از اینکه پسر دار شده خوشحال است، او اما وقتی بزرگ می‌شود، قیلی جاق و بزرگ و دست‌وپا چلفتی است که همه او را تحقیر می‌کنند. قیل جوان، اندکی بعد، علیه گله خود بلند می‌شود و به خدمت سپاه ابرهه درمی‌آید؛ اما در ادامه راه نیک را انتخاب می‌کند و به نزد طایفه‌اش بازمی‌گردد. فیلم حاوی صحنه‌های مربوط به حمله پزندگان ابابیل نیز هست و حقیقتاً با توجه به بضاعت سینمای ایران جز در ژانر انیمیشن، نمی‌شد به چنین فیلم‌نامه‌ای پرداخت.

بنیامین

تولید: ۱۳۹۷ // ساخته: محسن عنایتی

خلاصه داستان: زمان داستان، اندکی پیش از پیامبری حضرت موسی است. فرعون، مردم را به بردگی گرفته و به آن‌ها ظلم می‌کند و حتی به کودکان هم رحم ندارد. در این میان زن و مردی به همراه فرزندشان علیه ظلم می‌ایستند و عاقبت هم موفق می‌شوند مردم را بیدار کنند و باهم چشم‌انتظار آمدن موسی (ع) می‌شوند. ذات‌قصه، پراز تلخی و سیاهی است و برای آنکه ماجرای به بردگی درآمدن انسان‌ها برای فرعون را بشود برای بچه‌ها تعریف کرد، به ابزاری جز انیمیشن نمی‌توان متوسل شد. داستان، دو شخصیت کودک به نام بنیامین و دوستش عاشر دارد که به لطافت‌انرژی افزاینده.

روند روایت نیز به گونه‌ای است که حتی اگر انیمیشن نبود، به جلوه‌های ویژه بصری قوی احتیاج داشت، زیرا عاشر و بنیامین در مسیر مبارزه خود به بیابان و کوهستان هم قدم می‌گذارند یا اینکه برخی شخصیت‌های حیوانی مثل یک طاووس به آن‌ها کمک می‌کنند تا به هدفشان برسند که جز با بهره‌گیری از انیمیشن میسر نمی‌شد. روی هم رفته، سینمای انیمیشن ایران تاکنون یک سینمای ایدئولوژیک بوده است و شاید بد نباشد فیلم‌نامه‌های دیگری با مضامین متفاوتی اگر فرصت داشته باشند، به تن جوان آن، جان بدهند.

فیل شاه

تولید: ۱۳۹۶ // ساخته: هادی محمدیان

خلاصه داستان: در حقیقت همان داستان معروف عام‌الفیل روایت می‌شود. عام‌الفیل سالی است که در آن سپاه ابرهه به مکه حمله می‌کند تا خانه کعبه را از بین ببرد؛ اما گروهی از پزندگان به نام ابابیل با سنگ‌هایی بر منقار که به پایین پرتاب کردند، مانع از این اتفاق شدند. سازنده اثر بهترین گزینه را برای ساخت یک فیلم انیمیشن، آن هم برای مخاطب کودک داشته است. زاویه دید متفاوت

اغلب فیلم‌های انیمیشنی که تاکنون در سینمای ایران ساخته شده، به قصه‌های تاریخی قرآنی یا زندگی‌نامه بزرگان ادیان پرداخته است. فارغ از اینکه سفارش یا سرمایه‌گذاری اثر از سوی چه نهادی صورت گرفته، غیرمعاصری بودن این فیلم‌نامه‌ها ایجاب می‌کند که در ژانر انیمیشن ساخته شوند، وگرنه در صورتی که قرار باشد پرداختی غیرازاین داشته باشند، در گروه فیلم‌های اصطلاحاً بیگ‌پروداکشن قرار می‌گیرند که هم هزینه بسیار زیادی را می‌طلبند و هم مدت زمان طولانی تولید. اما حالا که سازندگان این فیلم‌ها درگیر الزامات موردنیاز برای فیلم‌های غیرانیمیشن مثل طراحی صحنه تاریخی یا تهیه لباس‌های مربوطه نبوده‌اند، تا چه حد توانسته‌اند ژانر را به خدمت محتوا دریاورند و از آن برای یک روایت زیباتر استفاده کنند؟ این گزارش به این موضوع پرداخته است.

شاهزاده روم

تولید: ۱۳۹۴ // ساخته: هادی محمدیان

خلاصه داستان: ملیکا، دختر امپراتور روم، قرار است با یک سردار جنگی ازدواج کند، اما شبی در خواب می‌بیند که توسط یک شخصیت معصوم و روحانی، برای یکی از نوادگان یک پیامبر خواستگاری شده و قرار است مادر کسی باشد که منجی جهان است. ازدواج او با ایجاد زمین‌لرزه‌ای عجیب هنگام خطبه عقد به هم می‌خورد و بعد، جنگی درمی‌گیرد. ملیکا به عنوان یک برده به عربستان برده می‌شود و بعد امام هادی (ع) او را برای پسر خود امام حسن عسکری (ع) به همسری می‌گیرد و سپس، او که به نرجس خاتون تغییر نام یافته بوده، مادر می‌شود. نزدیک به نیمی از فیلم در قصر امپراتور می‌گذرد و ما شاهد جلال و جبروت و شکوه شاهانه آن هستیم و البته با خود می‌گوییم اگر این قصه انیمیشنی نبود، حتماً در شهرک سینمایی فیلم‌برداری می‌شد. در ادامه اما با درگیری جنگ و شلیک نیزه‌های آتشین و در حریق افتادن قصر، درمی‌یابیم که پرداخت انیمیشنی تا چه حد به سود قصه تمام شده است. در یک سوم پایانی اثر، فضای شهری سامرا، میدان اصلی آن (محل خرید برده‌های جنگی) و ازدواج ملیکا با امام حسن عسکری (ع) را می‌بینیم که هرچند پرداخت غیرانیمیشنی آن کار سختی نبود، اما با توجه به اینکه دو امام معصوم درروند قصه نقش اساسی دارند و در سینمای ما مجوز نشان دادن چهره ائمه وجود ندارد، پرداخت انیمیشنی برای چنین قصه‌ای بهترین انتخاب ممکن بود.



نویسنده
سارا کتعمانی



در آرزوی خوبی و زیبایی

علی قوی‌تن، کارگردان: دلم می‌خواست فیلمم ریتم کندی داشته باشد



را جای آن‌ها فرض می‌کردم.» در ادامه امیرمحمد رحمانی، بازیگر نوجوان این فیلم گفت: «تقریباً چهار سال پیش که وارد «نوش‌آباد» شدم، با یکی از تعزیه‌خوان‌ها حرف زدم و شروع به تعزیه‌خوانی کردم. شبیه‌خوانی شباهت به تئاتر دارد و دوستش دارم. قبل از همکاری با آقای قوی‌تن سینما را دوست داشتم و از طریق آقای یوسف احمدی به علی قوی‌تن معرفی شدم.» عرفان زرگرزاده، دیگر بازیگر «آرزوی زیبا» درباره حضورش در جشنواره فیلم کودک و نوجوان گفت: «از همه شما تشکر می‌کنم که این جشنواره را برگزار می‌کنید تا فیلم‌های کودک دیده شوند. «آرزوی زیبا» مرا به آرزوی همیشگی‌ام رساند. قبل از این، ساز سنتور می‌زدم و در این زمینه فعالیت داشتم. بازیگری تجربه شیرینی بود و دوست دارم تکرار شود.»

استفاده می‌کنم، همیشه سعی می‌کنم با افرادی که در شهرستان‌ها آرزوی فعالیت در سینما دارند، همکاری کنم.» او ادامه داد: «ساخت این نوع از فیلم که می‌بینید، به سلیقه کارگردان برمی‌گردد که دلش می‌خواهد فیلمش ریتم کندی داشته باشد. دو ماه درگیر صدا گرفتن و بازسازی صدا بودیم. عاشق عباس کیارستمی هستم و فیلم‌هایش را دیده‌ام و همیشه دوست دارم از او کپی‌برداری کنم.» متین نظری، بازیگر خردسال «آرزوی زیبا» با گفتن اینکه اصالتاً اهل شهر آران و بیدگل است و برای این فیلم، تست بازیگری داده و قبول شده گفت: «دو ماه تمرین سخت داشتیم، اما زمانی که این فیلم را دیدم خستگی‌ام دررفت. بازیگری را دوست دارم و این راه را ادامه می‌دهم. هر فیلمی که می‌دیدم به شخصیت‌هایش توجه داشتم و خودم

نشست معرفی فیلم «آرزوی زیبا» به کارگردانی، نویسندگی و تهیه‌کنندگی علی قوی‌تن در پنجمین روز سی و سومین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوان با حضور امیرمحمد رحمانی، متین نظری، محمد حلاج‌مفرد، کیانا ریاضیان، ترنم هاشمی، هدا مقدم‌منش و عرفان زرگرزاده بازیگران فیلم، با اجرای محمدرضا مقدسیان در خانه‌اجرای جشنواره برگزار شد. علی قوی‌تن در ابتدای این نشست با اشاره به اینکه پس از فیلم قبلی‌اش «رویای سهراب» تصمیم گرفته موضوعاتی را که در اطراف کاشان اتفاق می‌افتاد به تصویر بکشد، گفت: «در فیلم‌هایی که می‌سازم، به‌خصوص در ژانر کودک و نوجوان، از پتانسیل شهرهای مختلف استفاده می‌کنم. به‌غیر از عوامل خاص پشت دوربین که همیشه از افراد ثابت خودم

عروسک پشت پرده!

مدرس کارگاه «فیلم عروسکی»: عروسک‌گردانی وسیله‌ای عالی برای بیان عواطف کودکان است

را انتخاب می‌کنیم یا هنر ما را. فکر می‌کنم این موضوع به بچگی ما مربوط است.» رمانجیت کائور نیز با اشاره به تاریخ فیلم‌های عروسکی گفت: «اولین فیلم عروسکی در سال ۱۹۲۶ توسط یک کارگردان آلمانی به نام «لاته راینیگر» تولید شد. این فیلم درباره ماجراجویی شاهزاده احمد از داستان‌های هزارویک‌شب عربی است. در این فیلم از عروسک‌گردانی سایه‌ای استفاده شده است.» او ادامه داد: «درام عروسکی شامل عروسک، عروسک خیمه‌شب‌بازی، انیمیشن و انیمیت‌کردن عروسک‌هاست و می‌توان گفت که این مدل از هنر با مدل‌های دیگر هنر، خصوصاً انیمیشن متفاوت است. اما در این دهه صحنه‌های زیبایی که در فیلم‌های سینمایی به وسیله عروسک‌گردانی می‌توانند خلق شوند، دیده نمی‌شود.»

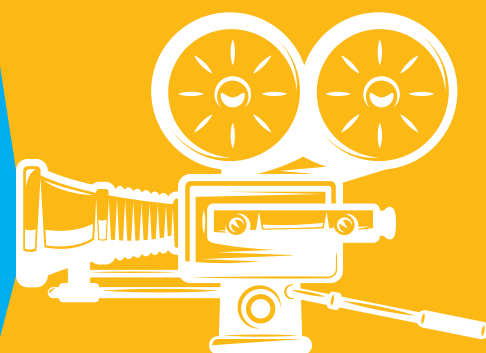
این عواطف را نشان می‌دهد، اما عروسک باید با طراحی حالت‌های تکه‌به‌تکه بدنش عواطف را نشان بدهد.» او ادامه داد: «عروسک‌های متفاوت یک حس مشترک را به‌صورت متفاوت نشان می‌دهند؛ اما عروسک بدون حس بهتر از همه عروسک‌ها عواطف را نشان می‌دهد، زیرا گستره بیشتری از عواطف را نمایان می‌سازد، اما اگر عروسکی چهره شاد داشته باشد، بسیار سخت می‌تواند عصبانی شود.» این عروسک‌گردان، عروسک‌گردانی را وسیله‌ای عالی برای بیان احساس و عواطف کودکان دانست و تأکید کرد: «خود بچه‌ها هم این موضوع را می‌دانند. آنها دوست دارند داستان‌های خودشان را به هر نحوی بیان کنند.» تامپسون در پایان گفت: «هنر عروسک‌گردانی مانند بالرین، بازیگرها، کم‌دین‌ها و شعبده‌بازهاست؛ سؤال اصلی این است که ما هنرمان

در پنجمین روز از سی و سومین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، کارگاه «فیلم عروسکی و نحوه ارتباط آن با جهان کودک» با حضور لی تامپسون عروسک‌گردان و کارگردان آثار عروسکی از انگلستان و رمانجیت کائور بازیگر، کارگردان و مدرس تئاتر و سینمای کودک و نوجوان از کشور هند به صورت آنلاین برگزار شد. لی تامپسون درس‌گفتارش را با گفتن اینکه عروسک‌گردانی برابر با بازی خوب است و عروسک‌گردان خوب، برابر با بازیگر حرفه‌ای است، آغاز کرد و گفت: «زمانی که عروسک‌گردانی می‌کنید، باید بدانید که این کار کمتر از بازیگری ذاتی و غریزی است. پس باید برای آن برنامه‌ریزی پیش‌آماده داشت. حتی بازی در تئاتر راحت‌تر از عروسک‌گردانی است؛ زیرا زمانی که عصبانی، هیجان‌زده یا شاد می‌شوید، صورت و بدن شما اتوماتیک‌وار



«حیوانات بیسکوییتی»
در آیین تحلیل

یک داستان معمولی



می‌توان اذعان کرد که ساختار کلاسیک به سبب وضوح، قطعیت و تکیه‌اش بر سیر بیرونی وقایع، ساختار مطمئن و مناسبی برای ژانر کودک است. «حیوانات بیسکوییتی» چنین ساختاری دارد. یک انیمیشن با ساختار آشنای کلاسیک که ارزش عشق، خانواده، فداکاری، مبارزه خیر و شر... در همان شکل سنتی‌شان در آن مورد توجه‌اند. تمایلی ناموفق به ارجاع به داستان هملت (الگوی دست‌کاری‌شده رابطه بین شخصیت‌ها و اشاراتی سطحی مثل استفاده از اسم هوراشیو) در فیلم‌نامه دیده می‌شود، اما کنایه‌های داستانی مورد اشاره در کلیت معنا دار نشده و در همان سطح باقی می‌مانند. البته این موضوع ضربه‌ای به فیلم وارد نمی‌کند و داستان در خود کامل است. داستانی که همان اوج و فرودهای قابل پیش‌بینی، پایان قطعی و روشن و از همه

داستان‌گویی کلاسیک یکی از کهن‌ترین شیوه‌های قصه‌گویی است. هرچند همه الگوها از یک ریشه‌اند و بنا بر آنچه قرار است گفته شود، از شکلی به شکل دیگر درآمده‌اند. با این همه باوری هست که الگوی کلاسیک مطمئن‌ترین فرمولی است که در سینما وجود دارد. ولی آیا واقعا استفاده از یک فرمول یا کلیشه، تضمینی بر موفقیت یک اثر است؟ شاید گفته رابرت مکی در همان ابتدای کتاب داستان پاسخ مناسبی باشد. این کلیشه‌ها نیستند که داستانی را موفق می‌کنند، بلکه استفاده از کهن‌الگوهاست که چنین خاصیتی را دارد. چون «داستان کهن‌الگویی، نخست یک تجربه انسانی فراگیر را کشف می‌کند و آنگاه خود را در لفافه بیان هنری یکه و به لحاظ فرهنگی خاص می‌پیچد.» اما داستان کلیشه‌ای این فرایند را معکوس می‌کند. باین وجود



منتقد
حدیث متقی

تحلیل روان‌شناختی

ویرانه‌های امن

«پتو» گربه چاق خانگی خاطره‌ای می‌گوید از زمانی که بچه‌گربه کوچکی بوده و به دنبال رؤیاهایش برای دیدن و کشف دنیای بیرون، خانه امن صاحبش را ترک می‌کند و موقع پرسه‌زدن گم می‌شود تا اینکه صاحبش او را پیدا می‌کند؛ ولی تجربه ترسناک پتو وقتی بی‌دفاع و بی‌مهارت خود را در جایی ناشناخته تنها و بی‌پناه می‌بیند، باعث می‌شود برای باقی زندگی‌اش تصمیمی بگیرد تا در امان بماند. پتو تصمیم می‌گیرد که همیشه در خانه امن صاحبش بماند و برای محافظت از خود رؤیاهایش را رها کند. حالا پتو بزرگ شده و با پسرش «کی» در همان خانه زندگی می‌کند. «کی» مانند کودکی پدر، رؤیای کشف دنیای بیرون را دارد و تلاش می‌کند برای پیدا کردن مادر به «هلوآباد» برود. وقتی «کی» خانه را ترک می‌کند، پتو ترس‌هایش را رها می‌کند و برای نجات فرزندش از خانه امن خارج می‌شود، خطرات زیادی را پشت سر می‌گذارد تا بالاخره می‌تواند با شجاعت جان کی و دوستانش را که زندانی شده بودند، نجات دهد.

انیمیشن زیبا و پرمفهوم «گربه‌ها در هلوآباد» نکات جالب و تأمل‌برانگیزی را در قالب داستانی کودکانه بیان می‌کند. همه ما در کودکی در نهایت ضعف و بی‌تجربگی، خطرات، ناهمواری‌ها و دشواری‌هایی را تجربه کرده‌ایم که در آن زمان به ناچار تصمیم‌هایی گرفته‌ایم تا بتوانیم در برابر آسیب جسمانی، روانی یا عاطفی از جانب والدین، بزرگسالان و محیط از خود مراقبت کنیم و چون از این تصمیم در زمان کودکی نتیجه خوبی دیده‌ایم تا زمان بزرگسالی به آن عادت چسبیده‌ایم و حاضر نیستیم از منطقه امن خود خارج شویم؛ حتی اگر برایمان فایده‌ای نداشته باشد یا حتی مانع پیشرفت ما شود، تنها چیزی که می‌تواند ما را از این زندان امن آزاد کند داشتن ارزش‌های محبوبی است که در قلب ما سهم بیشتری از ترس‌هایمان دارند. هلوآباد یک مکان برای رسیدن نیست، یک مسیر برای رفتن به سوی هر آن چیزی است که برای ما ارزشمند است.



دکترای مشاوره
زهرای خلقی



برترین‌های چهارمین دوره المپیاد فیلم‌سازی نوجوانان (۱۷-۱۲ سال)

🏆 **مدال نقره:** ایده گروهی «شکلات» از گروه عاشق، منتور: سیدجواد حسینی و مربی: نواب محمودی. برای ایده درخشان طرح درست به موضوع: توجه به تنهایی و اندوه نسل نوجوان و توجه به همدلی.

🏆 **مدال نقره:** ایده گروهی «ایده سرگین غلطان» از گروه هم‌سینمایی، منتور: وحید گلستان. مربی: حافظ آهی. به خاطر نگاه کاملاً نو و تازه به محیط زیست و توجه به موضوع کمتر دیده شده به بخشی از آلودگی زیست محیطی.

مدال طلای المپیاد در بخش ایده و فیلم

🏆 **مدال طلای چهارمین المپیاد فیلم‌سازی کشور در بخش ایده گروهی:** «هاف تایم» از گروه نقاب، منتور: غلامرضا رضانی و مربی: مهدی رضایی. به خاطر طراوت ایده، جسارت در بیان و شخصیت‌های اکتیو.

🏆 **مدال طلای چهارمین المپیاد فیلم‌سازی کشور در بخش فیلم:** انیمیشن «کاج» به کارگردانی «معصومه توتاخانه» از مراغه عضو گروه عاشق.

صحنه رفت.

🏆 **مدال نقره:** «ایلیا رمضانی» برای فیلم «فضای زندگی» از یوشهر عضو گروه سینمایی. «حافظ آهی» برای دریافت مدال روی صحنه رفت.

جوایز بخش ایده:

🏆 **مدال برنز:** ایده گروهی «آدیدت» از گروه مارول به سرپرستی آقای بیژن میرباقری و فریبرز آهین.

🏆 **مدال برنز:** ایده گروهی «همسایه» از گروه حافظ به سرپرستی سیروس حسن پور و عادل تبریزی.

🏆 **مدال برنز:** ایده گروهی «سیمرغ» از گروه پیام‌ها به سرپرستی ابوالفضل جلیلی و میرعباس خسروی نژاد.

🏆 **مدال برنز:** ایده گروهی «بازمانده» از گروه بچه زرنگ به سرپرستی حامد جعفری و تی‌یام یابنده.

🏆 **مدال برنز:** ایده گروهی «رکاب» از گروه باحال‌ها به سرپرستی مهین جواهریان و شهاب پورآرین.

اختتامیه چهارمین دوره المپیاد فیلم‌سازی نوجوانان (۱۷-۱۲ سال) با معرفی نفرات برتر در دو بخش فیلم و ایده برگزار شد.

به گزارش ستاد اطلاع‌رسانی سی و سومین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان مراسم اختتامیه چهارمین دوره المپیاد فیلم‌سازی نوجوانان در فضای روباز مرکز نوآوری صبا برگزار شد.

جوایز بخش فیلم:

🏆 **مدال برنز:** «ریحانه تاتاری» برای فیلم «کرونا دم در خانه در کمین است» از گرگان عضو گروه عاشق. «نواب محمودی» برای دریافت مدال المپیاد روی صحنه رفت.

🏆 **مدال برنز:** «مهشاد سعادت» برای فیلم «ای کاش مدرسه ما» از شهر پردیس عضو گروه مارول. «بیژن میرباقری» برای دریافت مدال المپیاد روی صحنه رفت.

🏆 **مدال نقره:** «یوکابد رحمانی» برای فیلم «جادوی خواندنی» از قزوین عضو گروه حافظ. «عادل تبریزی» برای دریافت مدال روی

چیزی شبیه رنسانس

فریده روشن، سخن‌گوی شورای اسلامی شهر اصفهان در بازدید از ستاد خبری جشنواره گفت: برای رسیدن به اهداف عالی جشنواره باید به حقوق کودکان اهمیت داد. بهره‌گیری کودکان و نوجوانان بسیاری از نقاط کشور از جشنواره امسال، نکته دیگری بود که او به آن اشاره کرد. همچنین مهدی تمیزی، معاون فرهنگی سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری اصفهان با اشاره به شیوه برگزاری مجازی جشنواره در دوره سی و سوم گفت: چیزی شبیه رنسانس رخ داده که ما را از عصر آنالوگ به دیجیتال فرستاده است. او اضافه کرد: شرایط امسال جشنواره فیلم کودک، اصفهان را به کل دنیا وصل کرده است.

استعدادیابی در جشنواره مجازی

علیرضا تابش، دبیر سی و سومین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان در مراسم اختتامیه المپیاد چهارمین دوره المپیاد فیلم‌سازی نوجوانان گفت: استقبال از جشنواره به صورت مجازی فوق‌العاده بود. ایده‌های امروز این نوجوانان باید توسط خودشان به فیلم تبدیل شود. او هدف اصلی المپیاد را استعدادیابی دانست. حبیب ایل‌بیگی، مدیر چهارمین دوره المپیاد فیلم‌سازی نوجوانان نیز در این برنامه اظهار امیدواری کرد: المپیاد از قالب یک رویداد در جشنواره خارج شده و در آینده فعال‌تر شود.

نامزدهای بخش سینمای ایران چه کسانی هستند؟

۳- خورشید / فیلم برداری: هومن بهمنش

🏆 بهترین بازیگر

- ۱- بچه‌گرگ‌های دره سیب / محمد رضا عالی‌ور
- ۲- پیله و پروانه / صالح ملک‌تبار
- ۳- خورشید / شمیلا شیرزاد
- ۴- مهران / باسط رضایی

🏆 بهترین فیلم‌نامه

- ۱- بچه‌گرگ‌های دره سیب / فریدون نجفی
- ۲- خورشید / مجید مجیدی، نیما جاویدی
- ۳- مهران / فرشاد رضایی، رقیه توکلی

🏆 بهترین کارگردان

- ۱- بچه‌گرگ‌های دره سیب / فریدون نجفی
- ۲- خورشید / مجید مجیدی
- ۳- مهران / رقیه توکلی

🏆 بهترین فیلم سینمایی

- ۱- بچه‌گرگ‌های دره سیب / مجید برزگر
- ۲- خورشید / مجید مجیدی، امیر بنان
- ۳- مهران / بنیاد سینمایی فارابی به تهیه‌کنندگی محمد پیرهادی

۴- نخود نخود / رضا واعظی و محمد زارع

🏆 نامزدهای بخش فیلم‌های پویانمایی کوتاه

- ۱- بعله! / مهین جواهریان
- ۲- زاک و زیک / اسماعیل جباری
- ۳- قدم یازدهم / مریم کشکولی نیا
- ۴- من ایرانی‌ام / علیرضا کاویان‌راد

🏆 نامزدهای بخش فیلم‌های داستانی کوتاه

- ۱- جبران می‌کنم / جمال احمدی
- ۲- سیاهی / خورشید عالمی، نگار نجف‌زاده
- ۳- شوفر / رضا نجاتی
- ۴- شهر عسل / محمد معین روح‌الامینی
- ۵- گاومیش / ابراهیم اشرف‌پور

🏆 نامزدهای بخش فیلم‌های بلند داستانی

- ۱- پیله و پروانه / محمد صالحی نژاد
- ۲- شماره ۲۹ / هادی رحیمی خواص

🏆 بهترین دستاوردهای فنی و هنری

- ۱- بچه‌گرگ‌های دره سیب / موسیقی: مسعود سخاوت‌دوست
- ۲- خورشید / طراحی صحنه: کیوان مقدم

اسامی نامزدهای بخش سینمای ایران در سی و سومین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان اعلام شد.

به گزارش ستاد اطلاع‌رسانی جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، اسامی نامزدهای مسابقه سینمای ایران جشنواره سی و سوم طی یک نشست زنده توسط «علیرضا تابش» دبیر جشنواره اعلام شد. دبیر جشنواره در ابتدای این نشست با اشاره به اولین تجربه برپایی جشنواره برخط در کشور، از شهرداری اصفهان برای دو اقدام حمایتی از منطقه بنت سیستان و بلوچستان و حمایت ۵۰۰ میلیون تومانی از مناطق کم‌برخوردار اصفهان تشکر کرد و نامزدهای این جشنواره را در بخش‌های کروناروایت، وب‌سری و مسابقه سینمای ایران اعلام کرد و متذکر شد نامزدهای بخش بین‌الملل اعلام نمی‌شود و جوایز این بخش فردا در اختتامیه جشنواره اهدا خواهد شد.

🏆 نامزدهای بخش کروناروایت

- ۱- چگونه وقت‌کشی کردم / لوک استیو پانوویچ
- ۲- قهرمانان در خانه بمانید / تودور نیکلف
- ۳- ملاقات آخر / محمد مهدی فکریان

🏆 نامزدهای بخش وب‌سری

- ۱- کاکاچی / جمال اسکویی
- ۲- کووید ۱۹ / علی درختی
- ۳- ناشناس / جعفر صیادی

برگزاری اختتامیه چهارمین المپیاد فیلم‌سازی نوجوانان ایران



آیین بزرگداشت «گامبوزیا پرتوی» و «ابراهیم فروزش»





پافشاری روی داده‌های کلاسیک سینمای نوجوان

نگاهی به فیلم «والدین امانتی»



آرزوهایشان و از طرفی پیشروی محتوایی سینمای کودک، کمی عقب افتاده و نتوانسته خواسته‌های نوجوانان امروز را که با حجم عجیبی از ویژوال افکت، جلوه‌های ویژه رایانه‌ای و سی‌جی‌آی دنبال می‌شود را پوشش دهد. به همین دلیل آن بخش قابل توجه از مخاطبان را از دست می‌دهد. «والدین امانتی» با نگاه کلاسیکی که به تخیل و رؤیاپردازی دارد، تنها مخاطبان سنتی این شکل داستان‌پردازی را راضی نگه داشته و علی‌رغم تمامی پوئن‌هایی که به خود می‌بیند، در راستای موج نوی آثار کودک این سال‌ها تعریف نمی‌شود.

سفارشی‌سازی برای نهادهایی خاص است یا جبران ضرر و زیان آثار شکست‌خورده یا اکران‌نشده قبلی. سینمای کودک سال‌هاست با پوست‌اندازی خوبی در حوزه مفهوم مواجه است که سبب می‌شود این آثار به‌عنوان فیلم‌هایی کهنه و عقب‌تر از زمان مطرح شوند؛ در نهایت اگرچه مخاطب پیدا می‌کند، اما ماندگاری چندانی نداشته و به‌عنوان یک کالای مصرفی به آن نگاه می‌شود. همان‌گونه که اشاره کردیم «حسین قناعت» نبض مخاطب کودک، علی‌الخصوص نوجوان را به خوبی می‌داند؛ اما با تغییر بافت نوجوانان امروز، خواسته‌ها و

«حسین قناعت» یکی از معدود کارگردان‌های سینمای ایران است که به‌طور تخصصی در خدمت ژانر کودک و نوجوان قرار دارد و طی این سال‌ها به‌اندازه‌ای پرکار بوده که نبض این‌گونه و مقتضیات آن را به خوبی در دست دارد.

جدیدترین ساخته قناعت، «والدین امانتی» است که انتشار خبر فیلم‌برداری این کار در روزهای شیوع موج اول کرونا، حاشیه‌هایی را برای فیلم به وجود آورد. این فیلم داستان دختر و پسر نوجوانی است که خانواده‌های آن‌ها اوضاع اقتصادی خوبی ندارند و این دو، آرزو می‌کنند که وضع مالی‌شان بهتر شود. فیلم، به کنش‌مندی‌های این دو نوجوان در روزهایی می‌پردازد که این آرزوی آن‌ها برآورده شده است. «والدین امانتی» در روایت خود، از همان شیوه قدیمی آثار معمول سینمای نوجوان بهره گرفته و با تم رئالیستی ابتدای داستان، به تخیل شیرین حاصل از برخورداری می‌رسد. در این میان اما داستانک‌های خوبی به‌عنوان حلقه واسطه‌های فیلم در نظر گرفته شده که توانسته به جذابیت بیشتر قصه کمک کند. علی‌الخصوص راهکارهایی چون فضای موزیکال و البته پیام‌هایی که فیلم می‌خواهد در لوای این داستانک‌ها، راجع به محیط‌زیست و تحکیم بنیان خانواده به مخاطبان هدف خود بدهد.

البته اگر این مفاهیم را از دامن فیلم بزداییم، با اثر کهنه‌ای مواجه هستیم که نمونه‌هایش در کارنامه کارگردان وجود دارد و مابه‌ازاهای بیرونی آن نیز طی سالیان اخیر ساخته شده است. فیلم‌برداری و تدوین، از جمله پوئن‌های این فیلم است که از چارچوب بصری فیلم بیرون نمی‌زند.

هرچند قناعت با ساخت آثاری از این دست توانست در سینمای کودک صاحب کرسی شود، اما متأسفانه این قبیل آثار مطابق با زمان جلو نمی‌روند و اگرچه می‌توانند مخاطبان هدف را جذب کنند، اما به آثار مانایی تبدیل نمی‌شوند؛ نتیجتاً این پروسه، یا در نتیجه



خبرنگار و منتقد
مجتبی اردشیری

نوجوان‌نگاری
Teenage Writing

صندلی‌هایی خالی از کودک و نوجوان

مانیلا ایزدخواستی
خبرنگار



شد از خاطرات جدید. جشنواره‌ای که آخرین روزهای جشنگ پاییزی همراه و اولین روزهای زیبایی آبانمان را برایمان به خاطره تبدیل کرد، آن‌هم از نوع کرونایی. با ماسک، فاصله اجتماعی و یک دنیا دل‌تنگی برای به آغوش کشیدن یکدیگر. جشنواره ۳۳ خیلی عجیب است، خیلی عجیب. از طرفی داوری کردن فیلم‌ها توسط تعداد زیادی کودک و نوجوان و از طرف دیگر، سینماها و صندلی‌هایی خالی از وجودشان. به امید روزهای جشنگ بدون کرونا و پراز شادی، لبخند و آرامش.

قدم زدن در سالنی که زمانی پراز سروصدا بود. شادی و خنده‌های از ته دل کودکان و نوجوانانی که با شوق از سالن‌های اکران بیرون می‌آمدند و با یکدیگر درباره فیلم‌ها صحبت می‌کردند و اکنون که خبری از آن‌ها نبود، فقط سکوت بود و سکوت.

کودکان و نوجوانانی که شادی و نشاط را در هر زمان، هر مکان و در هر شرایط با خود به ارمغان می‌آوردند، وجودشان برای جشنواره فیلم کودک و نوجوان یک باید است که بی آن‌ها جشنواره دیگر جشنواره نخواهد بود. اما این جشنواره هم پر

فیلم‌های «بچه گرگ دره سیب» و «والدین امانتی» چهارشنبه ۳۰ مهر ۹۹ به صورت فیزیکی در سالن سینمای ساحل به صورت محدود و با رعایت پروتکل‌های بهداشتی، اکران شد. جشنواره ۳۳ پراز حس عجیب و جدید است. جشنواره‌ای که خاطراتی را زنده می‌کند. خاطراتی که گاهی با یادآوریشان لبخند به لب می‌آید و گاهی ناراحت می‌شوی. امروز، روز اکران فیلم «بچه گرگ دره سیب» و «والدین امانتی»، یکی از آن روزها بود. با وارد شدن به سینما، نبود کودکان و نوجوانان بیش از هر چیزی حس می‌شود.

بزرگداشت بزرگ‌زادگان!

ابراهیم فروزش و کامبوزیا پرتوی پاس داشته شدند



۹۹ ریش سفید دنیای کودکان و بزرگسالان

دبیرسی‌وسومین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان گفت: «نام ابراهیم فروزش زمانی در سینمای کودک و نوجوان ایران طنین‌انداز شد که از کودکان درخانه‌مانده‌ای گفت که بزرگ‌ترها به اجبار شرایط زندگی، فراموششان کرده بودند. داستان‌شان چنان بر دل نشست که وقتی او سراغ یک خمره در مدرسه‌ای روستایی رفت، فیلم‌هایش به بازی کودکان‌ای تبدیل شد که بزرگ‌ترها هم در آن شریک بودند.» او ادامه داد: «این‌گونه مرز میان دنیای بزرگ‌ترها و کودکان چنان ظریف و نادیدنی شد که انگار بزرگ‌ترهای فیلم‌های او بخشی از این دنیای کودکان پریها بودند. دنیایی پر از رنگ که آدم‌های قصه فقط قدشان بزرگ شده بود، اما هم‌چنان کودکانی بودند که گویی نتوانسته‌اند از ریشه‌های کودکی خود دل بکنند.»

تابش، ابراهیم فروزش را دارای چشمانی تیزبین و قلبی رئوف دانست که ساده‌ترین سوزهای کودکان را به سینمای ناب بدل کرد و اظهار داشت: «این‌ها همه، از او پدرزگی دانا و مهربان ساخت که بچه‌ها دوست دارند دورش را بگیرند و شنونده قصه‌هایی باشند که قهرمانش یا مردی کوچک بود که بار یک خانه را به دوش گرفته یا بچه‌های نفت که در دنیای واقعیت‌ها باید با خیال به ماجراجویی‌های کودکان‌شان معنی دهند.»

این مدیر سینمایی با بیان اینکه ابراهیم فروزش در طول این سال‌ها، در تصویرسازی از روابط والدین و فرزندان همیشه جانب بچه‌ها را گرفته، ادامه داد: «او هم‌چون ریش سفیدی جلوه می‌کند که حرفش در دنیای بزرگ‌ترها هم خریدار دارد. از این رو این بخت را داشته که دائم میان این دو دنیا در حال رفت‌وآمد باشد. گویی او همان خط رابطی است که می‌باید نقطه اتصال این دو دنیا را هم چنان زنده و پایدار نگه دارد.»

مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی تصریح کرد: «به همین دلیل است که با دیدن فیلم‌های او، دنیا جای امن‌تر و شادتری برای زندگی است. شراتی هم اگر هست، آن قدر نیست تا فروزش نتواند قصه‌های بازاری را برای مان نقالی کند یا از زمانی برای دوست داشتن بگوید که در دنیای بزرگ‌ترها زود فراموش می‌شود یا از شیر تو شیر بگوید که در یک روستای دورافتاده برای به‌کرسی نشاندن آنچه که اهالی روستا را به گروهی کودک لجباز شبیه می‌کند.»

۹۹ ابراهیم فروزش: امیدوارم روزهای بهتری فرا برسد

ابراهیم فروزش در ابتدای سخنان‌ش به زحمات دبیر جشنواره و همکارانشان برای برگزاری جشنواره سی‌وسوم اشاره کرد و گفت: «من امسال افتخار داشتم جزو داوران باشم. خوشحالم که آثار امسال امیدوارکننده بود، این موضوع کار ما را برای انتخاب سخت می‌کرد.» او با اشاره به تجربه ۵۰ ساله‌اش در سینما از اکبر

عالمی، خسرو سینایی و محمدرضا شجریان یاد کرد و گفت: «واقعاً چه‌کسانی قرار است جای این عزیزان را بگیرند. در این روزگار که همه خانه‌نشین شده‌اند و سینماها بسته هستند، افسوس می‌خورم که چرا نمی‌توانم کار کنم.» او با آرزوی سلامتی هرچه زودتر برای کامبوزیا پرتوی به سال‌ها آشنایی‌اش با این هنرمند گرانقدر نیز اشاره کرد و با ابراز امیدواری به تداوم برگزاری جشنواره کودکان و نوجوانان، آرزو کرد روزهای بهتری فرا برسد.

۹۹ نقال جادوگر سینمای کودک و نوجوان

تابش همچنین درباره «کامبوزیا پرتوی» بیان کرد: «اگر در سینمای ایران به دنبال کسی بگردیم که چنان بر فنون داستان‌سرایی مسلط باشد که بتواند ما را پای پرده نقره‌ای سینما نگه‌دارد، بی‌شک به کامبوزیا پرتوی می‌رسیم که یکی از شخصیت‌های شاخص در این زمینه است. ردپای این قصه‌نویس آوازه‌خوان سینمای ایران را در همه‌جای سینمای ایران می‌توان دید، از فیلم‌های جشنواره‌ای تا فیلم‌های پرمخاطب، اما او بی‌شک با سینمای کودک بود که شروع کرد و با همین سینما بود که به اوج و بالندگی حرفه‌ای خود رسید.»

در حقیقت او رازهای دل خود را در همین سینمای کودک بود که با ما در میان گذاشت. او نقال جادوگری است که همیشه چیزی در آستین برای سرگرم کردن ما دارد.» او ادامه داد: «در دایره ناتمام نبود قصه خوب، شاید او همان قطعه ناتمامی است که آمده تا کمی به این سینما جان و روح دهد. برای این است که وقتی پای او به میان می‌آید، ماهی شب عید سفره هفت‌سین، رنگ کودکی می‌گیرد یا شیرک، نشان همه نوجوانانی می‌شود که آماده‌اند تا همه گرازهای مهاجمی که سرزمین خیال را هدف گرفته‌اند، بیرون کنند.»

به مدد همین توانایی است که داستان خانه در انتظار ماندگان مصیبت‌دیده جنگ، این اندازه سرشار از اکسیری چون جست‌وجو می‌شود. چیزی که می‌توان آن را جان‌مایه سینمای

کامبوزیا پرتوی دانست. «تابش با بیان اینکه می‌گویند شاید آقای پرتوی اکسیری کشف کرده تا همچون پسر بچه‌ای خلاق و باهوش جلوه کند، با این‌که به ظاهر قدوقامت بزرگ‌ترها را دارد، افزود: «او راوی دنیایی است که ما در قیل‌وقال زندگی گمش کرده‌ایم. او نگاهیان تصویری است که شادی دنیای کودکی را در سیاه‌بارترین دوره زندگی ما معنی می‌کند. تصاویری آن قدر زنده که انگار همین تازگی از دنیای خیال به دیار ما آمده‌اند. با وجود کسانی چون او، دنیای شلوغ ما جای زیبایی برای زندگی است، جایی برای دیدن همه آنچه که خودمان را از لذت تماشایش محروم کرده‌ایم و این مگر همان راز اکسیر سینما، این فانوس خیال جادویی نیست؟»

۹۹ کامبوزیا پرتوی: ممنونم که اجازه ندادید جشنواره تعطیل شود

کامبوزیا پرتوی با بیان اینکه از چند شب قبل فکر می‌کردم امروز باید چه بگویم و از چند نفر باید تشکر کنم، گفت: «از کسانی که این مدت به من دلگرمی دادند ممنونم. از تسرین مرادی همسر که برای یک شانس در زندگی بوده سپاسگزارم. همچنین از آقای تابش برای اینکه اجازه ندادند امسال جشنواره تعطیل شود و آن را در این شرایط برگزار کنند، تشکر می‌کنم. هر مجموعه فرهنگی‌سازی لازمه این کشور است و باز هم از شما ممنونم.» سپس رسول صدراعظمی با بیان اینکه برای من امشب، شب عجیبی است گفت: «بیش از سی سال همکاری با کامبوزیا داشته‌ام و بسیار مدیون او هستم. هیچ چیز بهتر از قدرشناسی نیست و از بنیاد سینمایی فارابی برای برگزاری این مراسم ممنون هستم.» واروژ کریم‌مسیحی، رسول صدراعظمی، پوران درخشنده، غلامرضا موسوی، نادر ترکمانی، منوچهر شاهسواری، محمدرضا عرب، محمدعلی نجفی، سیامک زمردی‌مطلق، محسن امیریوسفی، حسن آقاکرمی، حبیب ایل‌بیگی، امیر مشهدی عباس و مجید توکلی از جمله مهمانان حاضر در این مراسم بودند که با حضور حداقلی مدعوین و با رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی و پروتکل‌های بهداشتی برگزار شد.



خبرنگار
عادل امیری

Preparing a City for an International Film Festival

Preparing a city for an international film festival is not simple at all. Isfahan film festival has three committees to organize this great event. Here we mention some of their works before and during the festival.

Tourism branding for the city

The goal of the Tourism and Urban Marketing Committee is to introduce Isfahan and the festival to the Isfahani, national and international audiences in an attractive and different way. The committee, which in previous years hosted guests from different countries, this year released bilingual to trilingual videos with postcard images of Isfahan. This committee tries to invite more guests from all over Iran and the world to the virtual tour of Isfahan. They try to show the link between Isfahan and the filmfest via these videos. For this reason, spaces were chosen as film locations that are not famous even to the people of Isfahan. The golden room of Hasht-behesht palace, Amin-ol-tojjar house and Ashraf all are among these places. Also, to present a cosmopolitical image of Isfahan, videos with the presence of the Armenians and Georgians of Isfahan was prepared to invite Armenians and Georgians children and national and international audiences to watch the festival films. The films that are produced in a cooperation with the international committee of the

festival will be sent to the cultural advisors of Iranian embassies so that different countries receive this cinema and tourism invitation. It should be noted that this idea for the first time has been performed at a festival and even Other festivals, such as CIFEJ and Berlin, have never done the same in the field of branding and advertising.

International and Urban Diplomacy

Among the topics that Increased the international prestige of the 33rd Film Festival, are high-level video messages from mayors of five sister cities of Isfahan including Kuala Lumpur, Freiburg, Dakar, Baalbek and Issy-les-Moulineaux, as well as the written message of the mayor of the Italian sister city of Isfahan, Florence. This has never happened before and there was not such a close connection among between Isfahan Festival and its sister cities in the past editions of the festival. Emphasizing the importance of inter-city relations, especially in the field of culture, these messages contained special appreciation of their mayors as representatives of their cities and

citizens for Isfahan Film Festival.

The messages noted that it was great that the Isfahan filmfest was held for children and youth because they are under so much pressure due to the pandemic. Regarding Covid-19 pandemic, there was an untied message from children of all over the world in different languages video messages: "Life is go on."

Advertising and the appearance of the city

Among the most special events of the 33rd International Film Festival for Children and Youth was the appearance of the city and the advertising because the first day of this international event was on the last days of Safar (the second month of the lunar based Islamic calendar. It is a special month for Shia Muslims). So this year Isfahan was decorated with symbols of the festival during one night. 40 banners, 55 storyboard, 250 lampposts and 14 three dimensional and rotating billboards have been installed in the city. The main element in all of these works was the images of Isfahani children in 18 different designs that were intended to create real joy and happiness across the city. Also, since the festival was held online, a main part of the advertising was on internet. Due to the outbreak of the new coronavirus, 3000 masks and 500 pixels with the symbol of the festival were

A Puppet Behind The Scene

On the fifth day of the 33rd International Film Festival for Children and Youth, the workshop "Puppet Film and Its Connection with Children World" with the participation of Lee Thompson, puppet director from England and Ramanjit Kaur, actor, director and teacher of children's theater and cinema from India held online. Lee Thompson said: "Puppetry equals good acting and good puppetry equals professional acting. It is even easier to play in the theater than to make a puppet, because when you are angry, excited or happy, your face and body automatically show these emotions, but the puppet has to show emotions by designing proper postures." He continued: "Different puppets show a common sense in different ways, but puppets without emotion show emotions better than all puppets because they show a wider range of emotions, but if a puppet has a happy face, it can hardly get angry." Describing puppetry as a great way to express childish feelings and emotions, Thompson said: "The children themselves know this. They like to tell their own stories in any way." Thompson concluded. "I think this is about our childhood." Referring to the history of puppetry, Ramanjit Kaur said: "The first puppet film was made in 1926 by a German director named Lotte Reiniger. It's about Prince Ahmed's adventure in the Thousand and One Arabian Nights. Shadow puppetry is used in this film." Kaur continued: "In this decade, the most beautiful scenes in movies could be created by puppetry."

